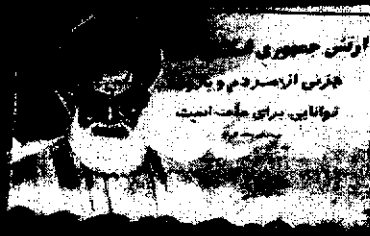


آشنایی با قانون مجازات



جرایم نیروهای مسلح

«قسمت یازدهم»

در شماره قبل تا ماده ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح شرح داده شد. اینک به شرح مواد ۳۵ به بعد می‌پردازیم:

ماده ۳۵: «هر نظامی در ارتباط با خدمت نسبت به مجروح یا بیماری که قدرت دفاع از خود را ندارد آزار روحی یا صدمه بدنی وارد نماید، علاوه بر قصاص یا دیه، حسب مورد چنانچه این اقدام در مناطق عملیاتی صورت گیرد به حبس از شش ماه تا سه سال و در غیر مناطق عملیاتی از سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود؛ و چنانچه مورد از مصادیق قصاص یا دیه باشد علاوه بر مجازات فوق به مجازات قصاص یا دیه نیز محکوم خواهد شد.»

همان گونه که در متن ماده آمده اگر یک نفر نظامی به لحاظ مسائل خدمتی و در همان ارتباط مجروح، بیمار یا مصدومی را مورد اذیت و آزار جسمی یا روحی قرار دهد این عمل قابل مجازات است. ماده مزبور عمدتاً ناظر است به مواردی که مجروحان و مصدومان جنگی و مناطق عملیاتی و یا درگیری‌های داخلی با اشرار قرار است به عقبه منتقل شوند و نظامیانی که مسؤولیت تخلیه مجروحان، مصدومان و بیماران را عهده‌دار

هستند نسبت به آنها بدرفتاری نموده و به آنها صدمه روحی یا جسمی وارد آورند. اگر چه ماده روشن نکرده آیا مجروح یا بیمار صرفاً از نظامیان باید باشند یا می‌تواند شامل غیرنظامیان هم بشود و یا این که اسرای مجروح یا بیمار دشمن را هم می‌تواند شامل شود یا خیر، علی‌ایحال به نظر می‌رسد اطلاق ماده همه این موارد را شامل می‌شود و وارد آوردن آزار روحی یا صدمه بدنی از سوی نظامیان نسبت به افراد مذکور قابل مجازات است.

ماده ۳۶: «هر نظامی در ارتباط با خدمت بر خلاف مقررات اموال مجروح یا بیمار یا مرده‌ای را تصاحب کند چنانچه این اقدام در مناطق عملیاتی باشد به حبس از شش ماه تا دو سال و در غیر مناطق عملیاتی از سه ماه تا یک سال و در هر صورت به استرداد اموال مأخوذه محکوم خواهد شد.»

فوق ماده ۳۶ با ماده ۳۵ در این است که در ماده قبلی آزار و اذیت جسمی و روحی نسبت به مجروحان و بیماران قابل مجازات شمرده شده بود اما در ماده ۳۶ تعرض نسبت به اموال آنان را قانونگذار مورد توجه قرار

داده و جرم تلقی کرده است.

در قانون دادرسی و کیفر ارتش سابق مواد ۳۵ و ۳۶ به صورت یکجا در ماده ۲۸۴ به گونه‌ای دیگر انشا شده بود و ناظر بود به اعمال افرادی که نظامیان ارتشی مجروح یا بیمار یا مرده را لخت می‌کردند و یا برای لخت کردن به آنها صدمات بدنی وارد می‌نمودند.

متن ماده چنین بود:

«هر کس در منطقه عملیات ارتش، نظامی مجروح یا بیمار یا مرده‌ای را لخت کند محکوم به حبس جنایی درجه ۲ از دو ماه تا ده سال است. اگر برای لخت کردن نظامی مجروح یا بیمار صدمه بدنی به او وارد آورد محکوم به اعدام است. همچنین در صورتی که نسبت به نظامی مجروح یا بیمار که قدرت دفاع از خود ندارد اعمال شقاوت نموده یا صدمات بدنی وارد آورد محکوم به حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال خواهد شد.»

چنانچه ملاحظه می‌گردد ماده ۲۸۴ هرکس اعم از نظامی یا غیرنظامی که مرتکب این‌گونه جرایم می‌گردد را شامل می‌شد، همچنین منحصر بود به ربودن اموال افراد نظامی در منطقه عملیات یا آزار و اذیت آنها.

بساعت ایجاد جو بدبینی نسبت به نیروهای مسلح شود احصاشدنی نیست و ماده را نمی توان محدود به اقدامات یا اظهارات خاص و محدودی در زمان و مکان خاص کرد.

اظهار در اینجا به معنی بیان مطلب و اقدام به معنی قدم برداشتن و عمل کردن است یعنی اگر یک نفر نظامی حرفی بزند، مطلبی بیان کند یا عملی انجام دهد که اشخاص را نسبت به نیروهای مسلح بدبین نماید به موجب این ماده قابل مجازات است از کلمه اشخاص در ماده می توان استفاده کرد که اظهار یا اقدام یک نفر نظامی بایستی در همین حسی از افراد صورت گیرد که اصولاً در ادبیات فارسی جمع دو نفر و بیشتر و در ادبیات عرب سه نفر و بیشتر را شامل است. لذا اظهار یا اقدام بدبین کننده فرد نظامی نزد یک نفر نمی تواند مشمول ماده ۳۷ قانون مجازات نیروهای مسلح قرار گیرد.

با توضیح ماده ۳۷ به فصل چهارم از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح یعنی مجازات فرار از خدمت رسیدیم که به دلیل اهمیت این مبحث قبلاً و در آغازین شماره های مجله دادرسی به شرح و توضیح مواد ۲۸ تا ۵۴ پرداخته ایم لذا اینک ویژه فصل پنجم قانون می شویم.

فصل پنجم: گزارش خلاف واقع

ماده ۵۷: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف حقیقت به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید یا حقایق را کتمان کند یا گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد به ترتیب زیر محکوم می شود:

۱- اگر گزارش خلاف یا کتمان حقیقت موجب شکست جبهه یا تلفات جانی گردد در حکم محارب است.

۲- اگر موضوع گزارش مربوط به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی باشد به حبس از سه الی هشت سال.

۳- در سایر موارد به حبس از سه ماه الی یک سال.

تبصره ۱- عدم گزارش جرایم ارتكابی توسط مسئولین مربوط به مقامات مسئول مشمول این ماده می باشد.

تبصره ۲- چنانچه اشخاص مذکور موجب خسارت مالی گردند علاوه بر مجازات فوق به جرمانه حبس اشخاص نیز محکوم خواهد شد. شرح داده:

ماده مذکور نیز از مواد بسیار مهم است و کاربرد زیادی هم دارد رکن مادی جرم شامل موارد ذیل می گردد:

الف- گزارش برخلاف حقیقت به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول دادن یا حقایق را کتمان کردن. ج- گزارش با تغییر ماهیت دادن. د- گزارش را به طور ناقص دادن.

الف- گزارش برخلاف حقیقت به فرماندهان یا مقامات مسئول دادن: به این معناست که اگر به عنوان مثال حقیقتی در یگان نظامی یا انتظامی یا مجموعه ای وابسته به نیروهای مسلح اتفاق افتد و فردی که طبق فرایض و مقررات مربوط موظف است آن واقع یا حادثه را به مقامات بالاتر گزارش کند برخلاف حقایق موجود مطالبی غیر واقعی را در گزارشش نماید و یا این که مثلاً آمار پرسنل موجود در یگان، اقلام نظامی موجود در یگان، آمار عملکرد نیروها، پیشرفت های علمی یا نظامی نیروها نیازمندی های یگان نظامی و یا هر مطلب و موضوع دیگر را غیر حقیقی گزارش دهد که فرمانده یا مسئول مربوطه را در تصمیم گیری ها به خطا افکند.

این اقدام عملی بسیار خطرناک است و فرمانده نمی تواند تدابیر صحیح و حساب شده برای اداره یگان نظامی اتخاذ کند چرا که تصمیماتش متناسب است با گزارش ارائه شده که گزارشش صحیح است.

ب- کتمان حقیقت: به این معناست که حقیقتی در گزارشش شده و بیان نگردد البته ممکن است یک نفر نظامی گزارشی که به مسئول بالاتر یا فرمانده مربوطه داده برخلاف حقیقت نباشد و درست هم باشد اما همه حقایق نباشد و تنها بخشی از حقایق موجود باشد که این هم باعث خواهد شد تصمیمات و تدابیر فرماندهی که بر اساس بخشی از حقایق موجود در یگان نظامی اتخاذ شده ناقص و بدون اثر یا حداقل کم اثر باشد.

ج- گزارش با تغییر ماهیت دادن: به این معناست که مطلبی و محتوای گزارش ارائه شده به فرمانده به طوری تغییر یابد که با حقایق فاصله داشته باشد یعنی گزارش دهنده یا مطالب ارائه شده را کمتر از حقایق موجود یا بیشتر از آن و یا اصولاً چیز دیگری غیر از حقایق موجود گزارش کند که این هم باز مبنای غلط برای تصمیم گیری های فرمانده خواهد شد.

د- گزارش ناقص دادن: یعنی اینکه گزارش دهنده مطالبی نارسا، ناتمام، ناکافی و اصطلاحاً مطالبی دست و پا شکسته به فرمانده و یا مسئول رده بالای خود ارائه دهد که نتواند مبنای تصمیم گیری صحیح او واقع شود.

آنچه از صدر ماده ۵۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح فهمیده می شود این است که مرتکب یا فاعل موارد چهارگانه مذکور یعنی گزارشی برخلاف حقیقت، کتمان حقیقت، گزارش با تغییر ماهیت و یا گزارش ناقص هر یک از نظامیان از پایین ترین درجه تا

بالاترین درجات نظامی رامی تواند شامل باشد و اختصاص به فرد خاصی ندارد یعنی این که ممکن است سرباز وظیفه‌ای که به امر نگهبانی، پاسداری، پاسبخش، دژبانی و... مشغول است لازم باشد گزارش به مسئول بالاتر خود بدهد و در گزارشی که تقدیم می‌دارد مرتکب جرایم فوق شود و یا این که فرماندهی ارشد از نیروهای مسلح در ارائه گزارشات به فرماندهان بالاتر خود مرتکب همین جرم شود که البته مجازات اشخاص مذکور باهم تفاوت دارد و طبیعتاً هر گزارش از نظر اهمیت موضوع گزارش، مقام گزارش دهنده و مقامی که گزارش خطاب به او تنظیم شده و شرایط زمانی و مکانی آن بایستی مورد توجه قرار گیرد و بدیهی است مجازات تعیین شده از سوی قانونگذار نیز با توجه به همین موارد انشا گردیده است.

بد نیست به نکات قابل ذکر دیگری که در ماده ۵۷ وجود دارد هم اشاره‌ای بشود و آن قیود و شروطی است که قانونگذار برای فاعل جرم در نظر گرفته است:

اول آن که نظامی گزارش دهنده در ماده بایستی به مناسبت انجام وظیفه نظامی‌اش گزارش داده و آن گاه واجد یکی از اوصاف چهارگانه باشد تا بتوان او را مجازات کرد و اگر گزارشی که ارائه داده ارتباطی با وظایفش نداشته باشد مشمول این ماده نمی‌باشد.

دوم آنکه گزارشی که واجد یکی از اوصاف مجرمانه فوق است عمداً ارائه شود و اگر فرماندهی بر اثر کثرت کار و اعتماد به تهیه کنندگان گزارش مطالبی غیر واقعی یا ناقص یا با تغییر ماهیت به فرمانده مافوق خود ارائه نمود اگر چه فاقد مسئولیت جزایی نمی‌باشد و حداقل به علت کوتاهی و سهل انگاری ممکن است مجازات شود اما مشمول

مجازاتهای مقرر در ماده ۵۷ نمی‌باشد.

تبصره ۱ ماده ۵۷ به مطلب مهم دیگری اشاره دارد و آن این است که اگر جرمی در یگانی اتفاق افتد مسئولین مربوطه که طبق قانون موظفند موضوع را به مقامات صالحه که علی‌الاصول مقامات قضایی هستند گزارش ندهند و پرونده مقدماتی را به همراه متهم یا متهمین حسب مورد سه محاکم عمومی، انقلاب یا نظامی ارسال نمایند به استناد همین ماده مجازات نخواهند شد البته روشن است که مرتکبین این جرم همه نمایان نمی‌توانند باشند بلکه همان‌گونه که گفته شد صرفاً مقامات و مسئولینی هستند که طبق مقررات تشکیلی پرونده مقدماتی، تحقیقات، جمع‌آوری ادله و آثار جرم و ارسال آن به مرجع قضایی بر عهده آنها گذرده شده است.

در تبصره ۲ ماده ۵۷ نیز به مطلب مهم دیگری اشاره شد که چنانچه مرتکبین جرایم مندرج در ماده ۵۷ یعنی گزارش خلاف واقع، کتمان حقیقت، گزارش با تغییر ماهیت دادن یا گزارش ناقص دادن یا عدم گزارش جرایم ارتكابی به مقامات صالحه با این اقدامشان باعث ایجاد خسارتی هم شوند به عنوان مثال اگر در یگانی بر اثر سهل انگاری فرد یا افرادی حریق ایجاد شد و ائبار پوشاک یا کالا طعمه حریق شد و به علت عدم پیگیری به موقع مسئولین و عدم ارسال پرونده به مرجع قضایی مرتکب یا مرتکبین هم شناسایی نشدند و بعداً مرجع قضایی از طرق مختلف از ماجرا مطلع شد مسئول یا مسئولینی که گزارش حادثه و جرم ارتكابی را به مرجع قضایی ارسال نکرده‌اند خود مجرمند و بایستی محاکمه شده و مجازات شوند و همچنین مسئول جبران خسارات وارده به یگان هم خواهند بود. یعنی دادگاه آنها را به جبران خسارات هم محکوم خواهد کرد.

• هرکس به قصد انقلاب به هر نحو از قبیل ترسیدن، بریدن و سخطیدن آن از سفید مسکوکات طلا و نقره نوزایی یا خارجی بکشد یا عمداً مسدود در خروج این قبیل مسکوکات حرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی
• هرگاه طبیب مسئول نامه برخلاف واقع در باره شخص برای معالمت از خدمت در وزارت رحمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به عهده تا دو روزه می‌باید در حال جاری شدن محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی
• هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و شبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج از کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتكاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان مجازات بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی
• هرکس در اماکن عمومی یا معابر متدین یا مصلح اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیولیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) سوره شاذی محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی
• هرکس عمداً عمداً به واسطه ضرب و کتبت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه و قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی
• هرگاه کسی عمداً زن شوهر در یا زنی